

مقاله پژوهشی

میراث تاریخی پوشاک ایران

سفر در اعماق فرهنگ

مهدیه شهبابی فراهانی

دکتری تخصصی مدیریت گردشگری، مدیر اداره تحقیق و توسعه پارک ملی علوم و فناوری‌های نرم و صنایع فرهنگی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

چکیده | پوشاک ایران میراث تاریخ ارزشمندی از فرهنگ مردمان سرزمینی است که خود به تنهایی فرهنگی غنی ایرانی را به همراه دارد. اگرچه پوشاک به عنوان یکی از جاذبه‌ها و مؤلفه‌های گردشگری لقب گرفته است، با این حال می‌توان نگاهی فراجاذبه‌ای به آن داشت، نگاهی که پوشاک را به خودی خود فرهنگ می‌داند. میراث تاریخی پوشاک ایران، تمرکز بر مؤلفه‌های فرهنگی نیست، نگاهی از درون به عمق فرهنگ است. نگاهی از درون به بیرون، که سیر و سفر درون فرهنگ را شکل می‌دهد. فرهنگ پوشش ایرانی نمایانگر رفتار، آداب و آیین‌ها، سبک تفکر و زندگی مردمان ایرانی در طول تاریخ است. فرهنگ درون پوشاک ایرانی، به همراه تمامی ویژگی‌های ظاهری که به بیننده آن انتقال می‌یابد، در برگیرنده احساساتی است که هم به دیگران منتقل می‌کند و هم خود به عنوان یک ایرانی با آن ارتباط حسی برقرار نموده و آن را درک می‌نماید. در بطن آن ارزش‌ها، هنجارها، باورها و اعتقاداتی نهفته است که فرهنگ یک سرزمین را شکل می‌دهند. این نوشتار میراث تاریخی پوشاک ایران را از زمان باستان تا دوران پهلوی به شیوه کیفی و روش اسنادی بررسی کرده و سیر فرهنگی آن را تحلیل می‌نماید. نتایج حاکی از این مطلب است که پوشاک ایران به عنوان یک میراث ماندگار ماهیتی فراپوشش داشته، بیانگر ارزش‌های مادی و معنوی است که وقار، نظیف‌بودن، زیبابودن، مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی، رنگ‌شناسی، تمسک و هم‌سویی با طبیعت، انسان‌دوستی، تفکر و اندیشه‌ورزی، تعادل، انعطاف‌پذیری و تعالی انسانی را روشن می‌نماید؛ این امر به مثابه سیروسفر به درون باورها و اعتقادات فرهنگی است که در عمق پوشش ایرانی حیات دارند.

واژگان کلیدی | میراث تاریخی، پوشاک ایرانی، فرهنگ، گردشگری.

تاریخ علاقه زیادی به آشنایی با گذشتگان و سبک و شیوه زندگی آن‌ها داشته است، این نگاه‌ها، رویکردی جاذبه‌محور و یا به عبارتی محصول‌محور داشته‌اند، گونه‌ای از جاذبه گردشگری که افراد را برای دیدن آن به سوی خود می‌کشاند. علی‌رغم اهمیت این موضوع، در این نوشتار نگاهی متفاوت به این میراث تاریخی ارزشمند خواهیم داشت. نگاهی از درون به بیرون، نگاهی از درون به اعماق فرهنگ و سیری که گویی خطه‌ای از ایران را سفر کرده‌ایم. در این دیدگاه پوشاک ایرانی را در وهله اول میراث تاریخی مردمان سرزمینی می‌دانیم که می‌توان در آن سیر کرد، می‌توان فرهنگ آن را در سفری عمیق جستجو کرد، به طوری که در بطن هر یک از عناصر ظاهری پوشش می‌توان دلیل زندگانی، رفتار، سبک و سیاق

مقدمه | پوشاک در طول تاریخ به عنوان یکی از عناصر اصلی فرهنگ، نشانگر تمدن، پیشینه، سبک زندگی، اعتقادات، عقاید و باورها، نگرش، ارزش‌ها و هنجارها و عناصر زیبایی‌شناختی یک منطقه به شمار می‌رفته است. فرهنگی که در اعماق تاروپودها، رنگ‌ها و شمایل آن می‌توان به اعماق تاریخ زندگانی مردمان یک سرزمین دست یافت. کشور ایران به جهت بهره‌مندی از تنوع اقلیم از غنای فرهنگی بسیاری در میراث پوشش برخوردار است. پوشاک را یک جاذبه فرهنگی می‌دانند که نمایشگر المان‌های فرهنگی و سنتی یک مرزوبوم است. فرهنگ به عنوان یکی از منابع مهم مقصدها، عامل توسعه گردشگری بوده و از سوی دیگر بشر همواره در طول

هخامنشیان، مردمان گستره سرزمین ایران جامه‌های قومی خود را می‌پوشیدند. در نمونه‌هایی از بازنمایی‌های زنان هخامنشی، پارچه نازک و بلندی همانند چادر دیده می‌شود که زن آن را روی سر و جامه بلند و چین‌دار خود افکنده است (تصویر ۱). شل یکی دیگر از پوشش‌های ایرانیان باستان بوده است. به طوری که از شل کوتاه بهره می‌گرفتند که پوشیده نمی‌شد، آن را بر شانه‌ها و گرده‌ها از پشت می‌آویختند و البته گاه تا زانوان و حتی پایین پا می‌رسید. کاربرد این گونه شل‌ها البته رفته‌رفته به‌ویژه در دوره‌های پس از یورش مغولان کاهش یافت. قبا، پوششی



تصویر ۱. پوشاک دوره هخامنشیان. مأخذ: www.iranboom.ir

رسوم یک مرزوبوم را دریافت. این نوشتار که با هدف بررسی میراث تاریخی پوشاک ایران با محوریت فرهنگ انجام گرفته است، از شیوه کیفی و روش مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی تاریخ پوشاک ایران را از زمان باستان تا دوران پهلوی بررسی کرده و سیر فرهنگی آن را تحلیل می‌نماید. این تحلیل نگاه درونی به فرهنگ داشته و سیر فرهنگی پوشش تاریخ ایرانی را ترسیم می‌نماید.

روش پژوهش

هدف این پژوهش بررسی میراث تاریخی پوشاک ایرانی با تمرکز بر فرهنگ آن است. بدین منظور تاریخچه پوشاک ایران از دوران باستان تا دوران پهلوی مورد بررسی قرار گرفت و سیر فرهنگی آن با روش کیفی و تحلیل کتابخانه‌ای و اسنادی تحلیل شد. این تحلیل نگاهی درونی به فرهنگ ارائه می‌کند و سیر فرهنگی لباس در تاریخ ایران را به تصویر می‌کشد.

میراث تاریخی پوشاک ایران (دوران باستان تا پهلوی)

میراث تاریخی در وهله اول عناصر فیزیکی و قابل لمس تاریخ پیشینیان هستند که برای جوامع امروز به یادگار رسیده است (AlMasri & Ababneh, 2021). از جمله این میراث می‌توان به لباس و پوشاک اشاره کرد. لباس شأنی از شئون انسانی و در لغت به معنای پوشیدنی و جامه است. پوشیدن، همان «در بر کردن»، «جمه بر تن کردن»، «نهفتن»، «پنهان کردن» و «چیزی را در پرده نگاه داشتن» است. در زبان فارسی برای لباس از واژه‌های «پوشش»، «تن‌پوش» و «پوشاک» استفاده می‌شود. در ابتدا لباس نقش حفاظتی از بدن در برابر طبیعت داشته است اما در ادامه نقش آراستگی و زیبایی پیدا کرده است، به طوری که کارکرد نمادین و فرهنگی آن برجسته می‌شود (مونس‌ی سرخه، ۱۳۹۶).

در سرزمین ایران از دوران باستان تاکنون لباس از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. متون تاریخی مربوط به ادوار باستانی و نیز دوره اسلامی، ایرانیان را ملتی خوش‌پوش و برازنده دانسته‌اند. گفته شده است که جنس و زیبایی لباس در ایران به پوشنده آن اعتبار می‌بخشد، چنانکه هر چقدر فرد لباس بهتری داشته باشد، مورد توجه و احترام بیشتری قرار می‌گیرد، همچنین پوشاندن بدن نشانه شرم و حیا بوده است. لباس در ایران عناصری همچون هویت قومی و جغرافیایی، وابستگی‌های سیاسی، صنفی، مذهبی و شأن و منزلت اجتماعی و اقتصادی مردم را مشخص می‌نماید (بابایی و اکبری، ۱۳۹۳). همان‌گونه که جلیلیان و فاطمی (۱۳۹۰) بیان می‌کنند، ایرانیان در هزاره‌های باستانی تاریخ خود، به جامه‌ها و آرایش خود ارج فراوان می‌نهادند و همه کوشش و ذوق هنری خود را برای ساخت جامه‌های زیبا و زیورهای گوناگون نشان می‌دادند. در دوره

می‌رفته است. گونه‌ای کلاه کج نیز در دوره‌های بعد رواج می‌یابد که در دوره سلجوقی متداول بوده و آثاری از آن در نقش‌ها و متن‌های ادبی به چشم می‌آید (همان). در دوران اولیه اسلامی تحول خاصی در تن‌پوش ایرانیان ایجاد نشد، بلکه این اعراب بودند که از مظاهر و عناصر تمدن آن روز استفاده کردند و تحول عظیمی در پوشش آن‌ها به وجود آمد. آنچه به‌عنوان سند و مدرک از تن‌پوش ایرانیان در قرون اولیه اسلامی نشان می‌دهد، اسناد نقاشی و دیوارنگاره‌های سغدی در پنج کنت (دیوارنگاره‌های معابد و کاخ‌ها و خانه‌ها در حوالی سمرقند) است که این موضوع را نمایان می‌سازد که تن‌پوش ایرانیان در اوایل دوره اسلامی همان تن‌پوش عصر ساسانی بوده است (غیبی، ۱۳۹۵). در جدول ۱ انواع پوشش مردان و زنان در دوره اسلامی نشان داده شده است.

سیر فرهنگی پوشش ایران باستان حکایت از صلابت، فرهیختگی، شأن و شئون، تمرکز بر فرهنگ قومی و منطقه‌ای، نظیف بودن، توجه به زیبایی، جایگاه مردمی و

دیگر به شمار می‌آید که مردمان ایران در گذشته بسیار به کار می‌برده‌اند. گرچه زنان نیز قبا بر تن می‌کردند، مردان اما از این پوشش بیشتر بهره می‌جستند. قبا در میان ایرانیان، پیش و پس از ورود اسلام البته تفاوت‌هایی داشته است، همچنین میان آن و عبا باید تفاوت گذاشت. قبا آستین‌هایی داشت که دست‌ها را در آن می‌بردند اما عبا گرچه دو آستین کوتاه داشت که امکان می‌داد دست‌ها را در آن‌ها فروبرند ولی بیشتر عبا را بر دوش می‌افکندند. همان‌گونه که گمانه‌زنی‌ها نیز بر این نکته تأکید دارند، عبا اساساً یک پوشش ایرانی نبوده است؛ در واقع هیچ نشانه‌ای از این پوشش در روزگار ایران باستان وجود ندارد. این پوشش کاملاً یک لباس سامی بوده که عرب‌های عربستان پس از ورود اسلام به ایران آن را با خود به این سرزمین آورده و در میان برخی طبقه‌های جامعه رواجی اندک دادند. البته در نقش‌ها و تصویرهایی که برجای مانده است، بهره‌گیری از عبا بیشتر در دوره صفویه به چشم می‌آید. عبا تا پیش از صفویه حتی در میان روحانیان نیز به کار نمی‌رفته است (چیت‌ساز، ۱۳۹۶).

یکی دیگر از مؤلفه‌های مرسوم پوشش در میان ایرانیان کراوات‌های آریایی‌تبار است (تصویر ۲). درباره ریشه ایرانی کراوات و چگونگی صدور آن به امپراطوری روم در دوران ساسانی، استفاده از کراوات توسط قوم ایرانی‌تبار اهل کرواسی و بعدها رفتن این نشانه به انگلیس و فرانسه و سایر نقاط اروپا مطالب بسیاری گفته شده است؛ در پژوهشی پیرامون تاریخچه کراوات آن را یک نماد اسلامی معرفی کرده‌اند که در جنگ‌های صلیبی مسلمانان قوم کراوات برای اولین بار از آن استفاده کرده‌اند. واژه کراوات یا هرارات (hravat) در زبان صربی ریشه ندارد بلکه این نام بر لوح سنگی در ناحیه یونانی‌نشین جنوب روسیه پیدا شده است. در زبان اوستایی خراوات (khoravat) به معنی دوستانه است. این نشانه همان دیهیم و نماد مقدس ساسانی است که به معنای پیوند و دوستی با اهورامزدا و ایزدان مهر و آناهیتا تعبیر می‌شود (آورزمانی، ۱۳۹۲). سرپوش در روزگار گذشته در میان پوشاک و لباس انسان‌ها چه زن و چه مرد، از مهم‌ترین بخش‌ها به شمار می‌آمده است. تاج شاهان یکی از سرپوش‌ها بوده است. این سرپوش در نقش‌های باستانی بسیار به چشم می‌آید. پاره‌ای شواهد نشان می‌دهد در دوره اسلامی هنگام محاکمه یک شاه یا شاهزاده، نخست سرپوش او را برمی‌داشتند که رفتاری توهین‌آمیز به شمار می‌آمد. گونه‌هایی فراوان از کلاه‌ها در ایران باستان حتی پیش از ورود آریایی‌ها رواج داشته است که تصویر آن‌ها بر نقش‌های گلی که به شکل مهر هستند دیده می‌شود. کلاه‌های شاخ‌دار از معروف‌ترین و مهم‌ترین نمونه‌های کلاه‌هایی به شمار می‌آمده که در ایران برای طبقه‌های بالای اجتماعی به‌ویژه شاهان و شاهزادگان به‌کار



تصویر ۲. پوشاک دوره ساسانی. مأخذ: www.lebasparisi.ir

جدول ۱. پوشش مردان و زنان ایرانی در دوره اسلامی. مأخذ: غیبی، ۱۳۹۵.

پوشش مردان و زنان ایرانی در دوره اسلامی

پوشش مردان	پوشش زنان
- پیراهن (تونیک)	- پیراهن
- کلیجه (نیم تنه کوتاه)	- قبا
- قبا	- مانتو
- ردا	- جلیقه
- عبا (شنل آستین دار)	- نیم تنه بلند
- شال کمر و کمر بند و دستکش	- شال کمر و کمر بند و دستکش
- کاتبی	- شلوار
- شلوار	- پوشش سر (چادر، مقنعه، دستمال)
- پوشش سر (تاج، کلاه)	- سه گوش
- پوشش پا (مچ پیچ، جوراب، کفش و گیوه)	- پوشش پا (جوراب و نیم چکمه، کفش، نیم چکمه چرمی)

اجتماعی دارد. لباس فراتر از پوشش بوده و نمادهای دیگری را نیز با خود به همراه داشته است.

پوشاک ایران در دوران قاجار دو دوره جداگانه را طی می کند (تصویر ۳). دوره ای که هنوز ارتباطات با دولت های خارجی توسعه نیافته بود و دوره ای دیگر که با آمدن تجار و سیاحان اروپایی به ایران و مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا تحول چشمگیری در پوشاک به وجود آمد. این تغییر و تحول برای مردان عموماً در شلوارها و کلاهها و برای زنان در دامن ها مشاهده می شود (همان، ۵۱۴). ایران با شکل گیری جنبش مشروطه و پیروزی آن در سال ۱۲۸۵ شمسی، به یک مرحله تازه اجتماعی وارد شد. آمدن تلگراف و دوربین عکاسی به ایران زمینه هایی مناسب برای آشنایی ایرانیان با شیوه زندگی مردمان اروپا به ویژه در زمینه پوشش و لباس را فراهم آورد. پوشیدن کت های بلند تا پایین زانو یا کوتاه همراه با شلوار که پیش از آن کم تر استفاده می شد، در این دوره گسترش یافت. بانوان نیز به بهره گیری از دامن های کوتاه روی آوردند، در حالی که زنان در دوره قاجار با چادرهای کبودرنگ، نه سیاه، با روبنده بر چهره در اجتماع حضور می یافتند. شلوارهای تنگ تر با رنگ سفید در این دوره رایج شد. پوشیدن این شلوار با برآمدن پهلوی اول شتاب گرفت و سرانجام با دگرگونی جامعه و امکان ورود بانوان به اجتماع بدون بهره گیری از چادر و تنها با روسری، در دوره پهلوی اول رایج شد (چیت ساز، ۱۳۹۶).

سیری در عمق فرهنگ میراث تاریخی پوشاک ایرانی
میراث تاریخ و فرهنگ یک سرزمین دارای ارزش های جهانی بی قید و شرط برای جوامع انسانی است به طوری که با گذر زمان به ارزش آن افزوده می شود (Kashchenko & Polozhentseva, 2021). میراث تاریخی در طول زمان عامل جذب مردم به سوی مقصدهای مختلف گردشگری بوده است (AlMasri & Ababneh, 2021).

فرهنگ یکی از مهمترین مؤلفه های توسعه گردشگری در جهان به شمار می رود (Ariffin, 2020). آداب و رسوم، سنت، تاریخ و سبک زندگی مردمان یک منطقه همواره از جذابیت برخوردار بوده است. میراث تاریخ و فرهنگ یک سرزمین همیشه و در همه دوران مورد توجه قرار رفته است (Fang & Ariffin, 2021). با توجه به توسعه گردشگری با محوریت فرهنگ در جهان، حمایت و محافظت از میراث فرهنگی و تاریخی یک سرزمین در اولویت قرار می گیرد. چه بسا محوریت گردشگری با نگاه عمیق فرهنگی می تواند اقدامی در جهت صیانت و پایداری میراث فرهنگی و تاریخی برای مردمان آن سرزمین باشد. علی رغم نگاه های منفی، گردشگری و ترویج و اشاعه فرهنگ اقدامی مؤثر در جهت حفظ فرهنگ خواهد بود (Wang, Yang, HSU & Zhang, 2021). ارتباط میان فرهنگ و گردشگری، بازدید از اماکن تاریخی و فرهنگی، موزه ها، فستیوال های هنری، آشنایی با سبک زندگی، آداب و رسوم، مذهب، زبان و میراث یک منطقه، انگیزه های سفر به این مناطق را بالا برده و منجر به اتصال دو مقوله فرهنگ و گردشگری شده و مفهوم گردشگری فرهنگی را پدید آورده است (Richards, 2018)؛ به طوری که در قرن بیست و یکم فرهنگ و گردشگری به اجزای مهم جوامع تبدیل تبدیل شده اند و میراث تاریخی یک سرزمین به عنوان نیروی کششی عمل کرده است (AlMasri & Ababneh, 2021).

سرزمین ایران با توجه به تنوع جغرافیایی و نیز فرهنگی منحصر به فرد خود، پوشاک و لباس های سنتی متنوعی دارد که از ذخایر فرهنگی و هویتی ایرانیان است. ایرانیان در هزاره های باستانی تاریخ به جامه ها و آرایش خود ارج فراوان می نهادند و همه ذوق هنری و کوشش خویش را برای خلق جامه های هنری



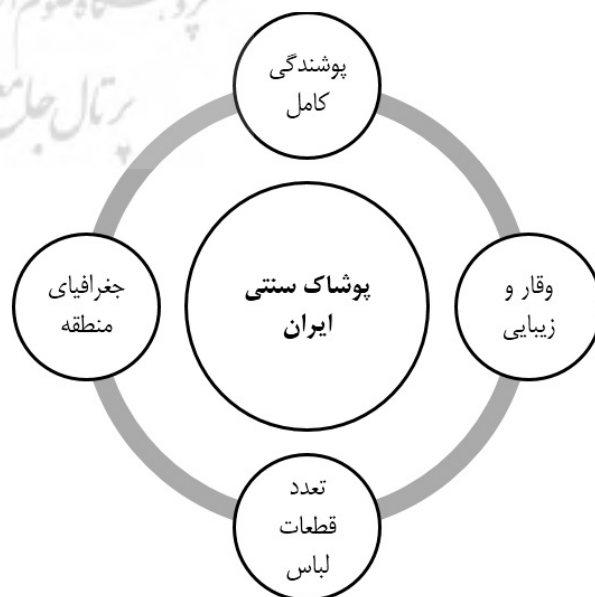
تصویر ۳. نمونه ای پوشاک دوره قاجار. مأخذ: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

به‌خصوص و یا آثاری بوده که بیش از سایر یادگارها باقی مانده است. رنگ‌های ارغوانی، نارنجی، قهوه‌ای، سبز زیتونی و آبی آسمانی رنگ‌های مورد علاقهٔ هخامنشیان بوده است. در دوران اسلامی رنگ نقش مهمی داشته و حتی نمادی از یک واقعهٔ تاریخی و یا یک دورهٔ تاریخی به‌شمار می‌رفته است. دوران صفویه را از نظر صنعت پارچه‌بافی عصر طلائی می‌دانند. پارچه‌های خوشرنگ و الوان در این دوران بافته می‌شدند. صفویان رنگ قرمز را برای کلاه‌هایشان انتخاب کرده بودند و به همین دلیل قزل‌باش نامیده می‌شدند و در نتیجه رنگ قرمز در این دوران از اهمیت خاصی برخوردار شد. در این دوران تمایلات شخصی نقش مهمی در انتخاب رنگ ایفا می‌نمود. مردان صفوی پیراهن سفید، نیم‌تنه و قبای گلدار، قرمز، زرد یا رنگ دیگر بر تن می‌کردند. زنان نیز لباس‌های رنگین بر تن می‌کردند و چادرهای آن‌ها جز در مجالس عزاداری سفید رنگ بود. در دوران قاجاریه به دلیل سفر شاهان به اروپا تحول چشم‌گیری در لباس صورت می‌گیرد. مردان پیراهن سفید با شلوار آبی یا ارغوانی و سرخ بر تن می‌کردند. پیراهن طبقهٔ کارگر آبی رنگ بود. زنان لباس‌های الوان می‌پوشیدند. رنگ شلوار سفید بود. گروه‌های اجتماعی رده‌پایین شلوار مشکی می‌پوشیدند. چادر آبی، قهوه‌ای و مشکی مرسوم بود (غیبی، ۱۳۹۵). نقوشی که در طرح لباس استفاده می‌شوند، از عناصر گوناگونی تشکیل شده‌اند که می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. نقوش طبیعت‌گرا: مانند نقوش انسان، حیوان، طبیعت، گیاهان، گل‌هاف ۲. نقوش انتزاعی: عناصر مستقیماً بیانگر طبیعت نیستند، ۳. نقوش هندسی: شکل‌های هندسی مانند مربع، دایره و مثلث و .. که با استفاده از قواعد خاصی به‌کار گرفته می‌شوند، ۴. نقوش تاریخی: از عناصر تاریخی از جمله بناها استفاده می‌شود و ۵. نقوش نوشتاری: در آن از حروف و نوشتار استفاده می‌شود (بابایی و اکبری، ۱۳۹۳). از آنجایی که لباس به‌عنوان یک متن هنری مطرح است، لذا ارزش‌گذاری و فهم اثر از طریق شناخت سیر تحولات تاریخی، جایگاه تفکرات هنری و نوع کارکرد مفاهیم هنری در هر جامعه‌ای قابل درک است. این ارزش‌ها و نشان‌گرها ملاک سنجش جهت هویت‌مندی پوشش هستند که نحوه و میزان آن در جوامع متفاوت است. اما در تفکرات سنتی، هنر و اجزای آن میل به برتری داشته و رویکرد متعالی را مد نظر دارند. در این راستا اندیشمندان سنت گرا هنر را بیان عالی و نمادین و ظهوری متعالی از حقیقت باطنی، باز نمود معنا و نوعی بازگشت به اصالت خویشتن، حقیقت مقدس و والای هنر می‌دانند. پس پوشش ایرانی نیز با این بیان علاوه بر حضور ارزش‌های مادی، دارای تعریفی معنوی است (مونسی سرخه، ۱۳۹۶). به‌طور کلی می‌توان عوامل مؤثر بر سبک و سیاق پوشش در ایران را به‌صورت جدول ۲ بیان کرد.

عوامل بسیاری بر روی پوشاک تأثیر داشته‌اند، ویژگی‌های

و زیبا به‌کار می‌گرفتند. در تاریخ باستان ایران، ایرانیان جامه‌های قومی خویش را می‌پوشیدند (جلیلیان و فاطمی، ۱۳۹۰). از ایام کهن لباسی که شخص می‌پوشد حامل نشانه‌هایی است که ارتباط بین او و محیط زندگی‌اش را بازگو می‌نماید. لباس هرگز از نشانهٔ چیزی بودن و دلالت بر مفهومی خاص باز نمی‌ایستد و زبانی است که بیان‌کنندهٔ جنسیت، جایگاه اجتماعی و باورهای مذهبی فرد است. از این رو لباس جنبهٔ زنده‌ای از فرهنگ بوده و تحولات آن همانند تحولات هنری، تابع شرایط اجتماعی است (زارع و رهبرنیا، ۱۳۹۵). بررسی پوشاک اقوام ایرانی در جغرافیای فرهنگی ایران نشانگر آن است که متناسب با مقتضیات جغرافیای اقلیمی و فرهنگی، لباس‌ها دارای ساختار و آرایه‌های منحصر به فرد خود بوده‌اند که از لباس ملت یا قوم دیگر قابل تشخیص بوده است. این نگرش تأکید بر نمایش هویت فردی یا جمعی یک گروه اجتماعی خاص از گروهی دیگر را دارد. لباس هر قوم تابع فرهنگ، اقلیم، مذهب و عوامل مؤثر دیگر است که بر فرهنگ و هنر ملت‌ها تأثیر می‌گذارد. لباس هر قوم همچنین نمایان‌گر هویت فرهنگی، اعتقادات، باورها و نیز شرایط اقلیمی زیستگاه آنان است. اگرچه در گذشته به مقتضای عوامل مختلف مانند درآمد اقتصادی، نوع کار، مواد اولیه، باورها، هنرهای اجدادی و غیره از پوشش‌های متنوع و متعددی استفاده می‌شده است (پایدار فرد، نامور مطلق و محجوبی، ۱۳۹۴). ویژگی‌های پوشاک سنتی ایران را می‌توان به‌صورت تصویر ۴ خلاصه نمود.

در ایران باستان انتخاب رنگ با اهمیت و تنوع همراه بود و معرف قومیت، شخصیت و منزلت اجتماعی بود. ایرانیان در طول تاریخ همواره به جنبه‌های معنوی، عرفانی و هنری رنگ توجه داشته‌اند. در این میان برخی از رنگ‌ها بیش از سایر رنگ‌ها به چشم می‌خورد که دلیل آن اختصاص رنگ معین به طبقات



تصویر ۴. ویژگی‌های پوشاک سنتی ایرانی. مأخذ: یاسینی، ۱۳۹۶.

می‌توان تحقق تعالی دانست. تعامل، ایجاد ارتباطات انسانی، معرفی ارزش‌ها همگی مسیر تعالی است که ایرانیان از گذشته در پوشش خود بدان توجه داشته‌اند. به‌طوری‌که می‌توان چنین استدلال کرد با نگاه به پوشاک می‌توان ارزش‌های ایرانی را دریافت، ارزش‌های انسانی و تعالی که ایرانیان برای خود ارج می‌نهند. پوشش‌ها نمادی برای ابراز هویت و معرفی ارزش‌های جامعه بوده است. هنگامی که در عمق فرهنگ حرکت می‌کنیم رفتارهای عامیانه، منش‌ها، خلیقات، نوع جهان‌بینی و حرکت به سمت تعالی، بیش از پیش نمایان می‌شود. اگرچه این دیدگاه وجود دارد که به دلیل غنای فرهنگی هر یک از دوره‌های تاریخ ایران و هر یک از قومیت‌ها و شهرهای ایران از محل بررسی و تحلیل تخصصی برخوردار است. چرا که با تمرکز بر یک اقلیم و شهر می‌توان بررسی‌های عمیق‌تری در این زمینه انجام داد. پوشاک ایرانی مانند میراث تاریخی ارزشمندی است که خود مصداق فرهنگ بوده و نیازمند تحلیل و بررسی عمیق‌تری است. پوشاک نه به معنای فقط لباس، بلکه ماهیت پوشش آن است که اهمیت می‌یابد و پوشش به مفهوم هویتی است که در ظاهر نمایان می‌شود. ماهیت پوشش به مفهوم معرفی خویشتن، تفکر، ملیت، هویت، منطقه جغرافیایی، تمسک به اعتقادات و باورها، همگی در بطن پوشش نهفته است. از این رو علی‌رغم رویکردهای متداول که پوشاک و لباس را به‌عنوان یک جاذبه گردشگری یا محصول می‌انگارند، این دیدگاه وجود دارد که پوشاک ایرانی خود فرهنگ است و می‌توان سفری در اعماق آن داشت، به‌طوری‌که در بطن آن به ریشه‌های رفتاری، ارزش‌ها، هنجارها، باورها و اعتقادات دست یافت که همگی یک سرزمین را شکل می‌دهند. پوشاک یک زبان ارتباطی است، اعضای جامعه از طریق نشانه‌های نمادین لباس‌هایی که می‌پوشند بین خود یک نظام ارتباط فرهنگی برقرار می‌کنند. هدف اصلی لباس و پوشاک صرفاً پوشش بدن انسان نیست، بلکه نمایش صفات، احساسات و اندیشه‌های انسان است. بدین معنا که کنش هنرمند فقط پیش‌نیازی برای نشان دادن ماهیت اثر هنری و ایده اوست و هرگونه حاصل کار و یا جسمیت بخشیدن، تنها نمودی ابتدایی از یک نتیجه‌گیری کلی بوده که هنرمند بدان دست یافته است. به‌طور قطع می‌توان گفت بخشی از هنر هر قوم و کشوری را می‌توان در لباس آن جست‌وجو کرد. لباس در جهان امروزی به‌صورت یک وسیله (دیداری) برای شناخت جنبه اقلیمی، تاریخی، فرهنگی، هنری و اقتصادی زندگی انسان‌ها و سطح تمدن و پیشرفت جوامع درآمده است. پوشاک ایران غنی و برگرفته از باورها و اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، تفکرات، جهان‌بینی، سبک زندگی، منش، رفتار و همه آنچه که در تمدن و تاریخ زندگانی یک سرزمین نهفته است. ایران میراث‌دار تاریخ زندگانی انسان‌هایی است که پوشاک را نه فقط به‌عنوان یک وسیله پوشاننده، بلکه فرهنگ در

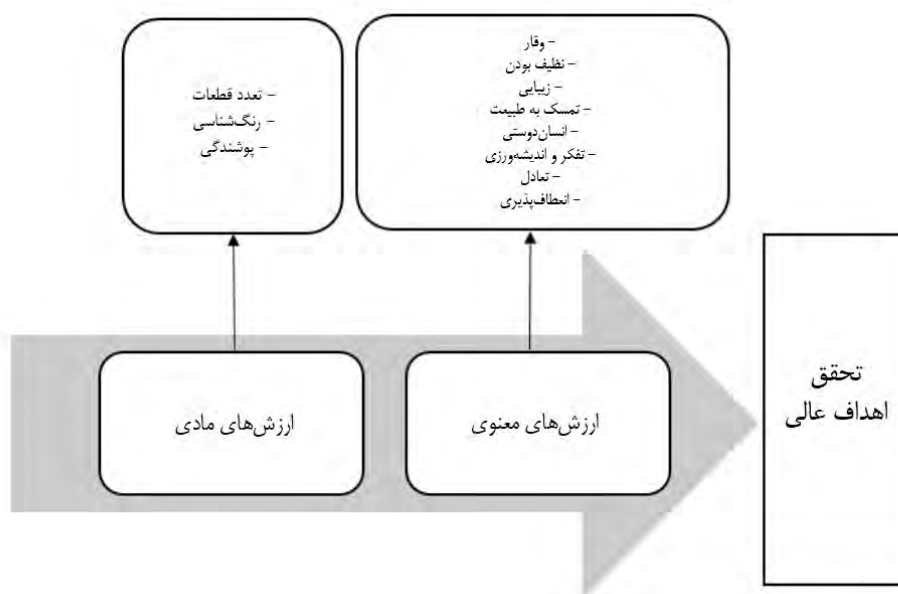
سیاسی، حکومت‌ها، ارتباطات با سایر جوامع، وضعیت اقتصادی، مهاجرت، جنگ، ازدواج و جابه‌جایی‌ها می‌توانسته‌اند مسیر فرهنگ را تغییر دهند. رنگ‌ها و نقوش مختلف که متأثر از اقلیم و جغرافیاست، در مسیر آگاهی یافتن، شناخت، ارتباط عمیق‌تر و بیشتر با طبیعت است. انسان از روزگار قدیم از همان سنت قدیم خود را بخشی از طبیعت دانسته و چه بسا احترام و ارزش والایی برای طبیعت قائل بوده است. به‌طوری‌که از آن الهام نیز می‌گرفته است. جغرافیای کویر، با اقلیم کوهستانی، دشت، دریا و ساحل همگی تأثیرات متفاوتی داشته‌اند. به‌ویژه بر نوع الیاف طبیعی که در آن منطقه رواج می‌یافته است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از آنجایی که لباس را یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگی بیان می‌کنند، جشنواره‌ها و یادمان‌های لباس در ایران با تمرکز بر توسعه گردشگری منطقه انجام می‌گرفته است. اگرچه اهمیت این موضوع بر کسی پوشیده نیست، اما می‌توان نگاهی فرآجاذبه‌ای به پوشاک ایرانی داشت. نگاهی عمقی و درونی به فرهنگ زندگانی مردمانی که البسه برایشان بسیار با اهمیت بوده و بدان فخر می‌ورزیدند. سفر در اعماق فرهنگ میراث تاریخی پوشاک ایران، تمرکز بر مؤلفه‌های فرهنگی نیست، نگاهی از درون به عمق فرهنگ است. نگاهی از درون به بیرون، که سیر و سفر درون فرهنگ را شکل می‌دهد. رنگ‌ها، طرح‌ها، نقوش همگی در یک نگاه واحد و سپس خود زبانی می‌شوند از میراث، و سیری که در فرهنگ بومی آن اتفاق می‌افتد. اگرچه شرایط محیطی و جغرافیایی بر انتخاب پوشش، رنگ و نوع پارچه‌های البسه تأثیر داشته است، اما کمی تأمل درباره قطع لباس این نکته را مشخص می‌نماید که بخش زیادی از این پوشش با هدف و نیت انتخاب شده است. تفکر و اندیشه‌ورزی در انتخاب سبک‌ها وجود داشته است، به‌طوری‌که می‌توان چنین استدلال نمود هر بخشی از لباس نمایانگر یک تفکر و قصد بوده است (تصویر ۵). هدف اصلی برای پوشش را

جدول ۲. عوامل مؤثر بر سبک پوشش در ایران. مأخذ: بابایی و اکبری، ۱۳۹۳.

ردیف	عوامل مؤثر بر سبک پوشش در ایران
۱	شرایط جغرافیایی و محیطی
۲	نحوه زندگی و اسکان و اوضاع اجتماعی
۳	جنگ‌ها و اوضاع سیاسی و نوع حکومت
۴	شرایط و اوضاع اقتصادی و پیشرفت فناوری
۵	اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم
۶	نظام طبقاتی حاکم بر جامعه
۷	روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با سرزمین‌های مجاور
۸	عوامل زیباشناختی



تصویر ۵. سیری در اعماق فرهنگ پوشاک ایرانی. مأخذ: نگارنده.

درایت و فهم و توجه ایرانیان در طول تاریخ دارد. میراث تاریخی پوشاک ایران، برگرفته از باورها و اعتقاداتی است که می‌توان در بطن آن مؤلفه‌های اعتقاد تمدن ایرانی را دریافت. وقار، نظیف بودن، زیبا بودن، ارزش‌های فرهنگی یک جامعه را در خود به نمایش می‌گذارد. زیبایی، توجه به مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی، رنگ‌شناسی، وقار، تمسک به طبیعت، همسویی با طبیعت، انسان‌دوستی، تفکر و اندیشه‌ورزی، تعادل، انعطاف‌پذیری، تعالی انسانی همگی باورها و اعتقادات فرهنگی است که می‌توان در بطن پوشاک ایران تحلیل نمود. این امر خود می‌تواند مؤید این نکته باشد که میراث تاریخی پوشاک ایرانی وامدار فرهنگ سرزمینی است که صحبت از تمدن می‌نماید، به ارتباطات اجتماعی ارزش می‌نهد و انسانیت در مهد ارزش‌های فرهنگی آن قرار دارد. این امر انسان جامعه ایرانی را با بهره‌مندی از پوشاک به سرمنزل تعالی نزدیک می‌نماید. میراث تاریخی مردمان یک سرزمین همیشه مهد سفر و توجه گردشگری بوده است. مؤلفه‌های مادی از جمله پوشاک ایران برگرفته از میراث تاریخی ایرانیان است که در دوره‌های مختلف نمایش متفاوتی از خود ارائه نموده است. در این میان پوشاک مردمان ایرانی که برگرفته از اقلیم، جغرافیا، آب‌وهوا، سبک زندگی و اعتقادات و باورهای ایرانی در طول زمان است. میراث تاریخی پوشاک ایران وامدار فرهنگی است که می‌توان در درون آن به باور، اعتقادات، سبک زندگی، نحوه گذران زندگی، آداب و رسوم، تفریح و فراغت دست یافت. میراث تاریخی پوشاک ایرانی سی‌رو سفری است عمیق و درونی به بطن فرهنگ ایران‌زمین، گویی به خطه‌ای از ایران سفر کرده‌ایم.

دل خانواده‌های خویش داشته‌اند و آن را حفظ کرده‌اند. میراث تاریخ پوشاک ایران وامدار تفکرات، ارزش‌ها و فکری است که زندگی و آداب و رسوم را شکل داده است، رسم زندگی که در کنار پوشش، محافظت، سلامتی، حفظ پوست و مراقبت از جسم در کنار رنگ‌آمیزی، سفر به درون رنگ‌ها، طرح‌ها، نقش‌ونگارها، طراحی‌ها و زیبایی ظاهری است که در نتیجه این تفکرات پیچیده و پر رمز و راز رقم خورده است. ارزش‌های مادی از کیفیت الیاف، طرح و نقش و تار و پود و رنگ‌ها گرفته تا ارزش‌های معنوی که از احساس حیا، وقار، پوشش، تعالی، رشد، داشتن جایگاه فردی و اجتماعی دارد. بطن فرهنگی پوشاک، علاوه بر ماهیت مادی لباس، بیشتر ماهیت معنوی پوشش را شامل می‌شود که در آن حرکت به سمت تعالی، درون، اتصال با طبیعت، حیا و شرم، منزلت اجتماعی، ایجاد ارتباط، در آن دیده می‌شود. شاید پوشاک وسیله‌ای برای ارتباط با طبیعت بوده است، از رنگ‌ها و نقش‌ها گرفته تا استفاده از الیاف طبیعی. انسان به وسیله پوشش خود را به طبیعت و در نهایت خالق نزدیک‌تر می‌نماید در نتیجه آن احساس زیبایی را در درونش احساس می‌کند. همانند طبیعتی که زیبا و متنوع است. اگرچه بتوان پوشاک ایرانی را همانند کتابی رنگارنگ یا بوم نقاشی در نظر گرفت که سیر زندگی مردمان را می‌توان در آن خواند. به معنای دگر خوانش زندگی درون پوشاک ایرانیان نهفته است. علاوه بر نظیف بودن، مرتب و آراسته بودن، زیبایی و معنای نقش‌ونگارهای پوشاک نیز حائز اهمیت است. از سوی دیگر مناسبات مختلف و پوشاک مختلف هم‌ارج و احترامی است به پوشاک و انسانی که لباس را می‌پوشد و خود نگاهی به

فهرست منابع

- آوزمانی، فریدون. (۱۳۹۲). رازگشایی نمادهای آیینی در پوشش شهریاران ساسانی. هنر و تمدن شرق، ۱(۱)، ۳۳-۴۲.
- بابایی، پروین و اکبری، فاطمه. (۱۳۹۳). بازنمایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک پوشاک ایرانیان. فرهنگ مردم/ایران، ۳۸ و ۳۹، ۹-۲۶.
- پایدارفرد، آرزو؛ نامورمطلق، بهمن و محجوبی، فاطمه. (۱۳۹۴). طراحی لباس ملی با الهام از پوشاک سنتی مردم خراسان جنوبی. مطالعات ملی، ۴(۶۴)، ۱۳۳-۱۵۰.
- جلیلیان، شهرام و فاطمی، سید علی. (۱۳۹۰). پوشش زنان در ایران باستان (مطالعه موردی دوره هخامنشیان). تحقیقات فرهنگی، ۴(۳)، ۱-۲۲.
- چیت‌ساز، محمدرضا. (۱۳۹۶). دگرگونی پوشش و پوشاک در تاریخ دیرینه ایرانیان. مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵، قابل دسترس در: <https://www.cgio.org.ir/popup/fa/system/contentprint/156047>
- زارع، مرضیه و رهبرنیا، زهرا. (۱۳۹۵). نگاهی جامعه‌شناسانه به مفهوم هنر لباس در هنر معاصر. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۵(۹)، ۱-۲۹.
- غیبی، مه‌راسا. (۱۳۹۵). هشت‌هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی. چاپ ششم. تهران: هیرومند.
- مونس‌سرخه، مریم. (۱۳۹۶). لباس و هویت؛ ابعاد هویت فرهنگی در لباس ایرانی. جلوه هنر، ۱(۱)، ۱۰۷-۱۱۶.
- یاسینی، سیده رضیه. (۱۳۹۶). مطالعه فرهنگی و جامعه‌شناختی پوشاک سنتی زنان کناره دریای جنوب ایران (بوشهر، هرمزگان و خوزستان). زن در فرهنگ و هنر، ۹(۲)، ۱۸۵-۲۰۷.
- AlMasri, R. & Ababneh, A. (2021). Heritage Management: Analytical Study of Tourism Impacts on the Archaeological Site of Umm Qais—Jordan. *Heritage*, 4, 2449–2469.
- Ariffin, A. A. M. (2020). Core Dimensions of Islamic Hotel Service: Towards Their promotion in the Global Marketplace. *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*, 8(3), 98-110.
- Fang, W.G. & Ariffin, A. A. M. (2021). Cultural heritage tourism: determinants of behavioral intention to visit a historical city from experiential perspectives. *Journal of Tourism, Hospitality and Environment Management (JTHEM)*, 6(22), 1-10.
- Kashchenko, T. L. & Polozhentseva, I. V. (2021). Cultural tourism: topical issues in the context of cultural and historical memory. *E3S Web of Conferences*, 291, 05025.
- Richards, G. (2018). Cultural Tourism: A Review of Recent Research and Trends. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 36, 12-21.
- Wang, M., Yang, J., HSU, W.L. & Zhang, Ch. (2021). Service Facilities in Heritage Tourism: Identification and Planning Based on Space Syntax. *Information*, 12(12), 504.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

شهرابی فراهانی، مهدیه. (۱۴۰۱). میراث تاریخی پوشاک ایران، سفر در اعماق فرهنگ. گردشگری فرهنگ، ۳(۸)، ۳۷-۴۴.

DOI: 10.22034/TOC.2022.323297.1066

URL: http://www.toc-sj.com/article_147238.html

